نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هفتم، تابستان ۱۴۰۲، شماره دوم، صفحات ۲۸۹ تا ۳۰۲

مروری

عوامل مؤثر بر طلاق طی ۱۰ سال گذشته در ایران

علی فتحی‌آشتیانی[1*]، سهراب امیری[2]، مینا فتحی آشتیانی[3]، آزاده صدقی جلال[4]، محمدحسین نیکنام[5]، احمدعلی نوربال[6]، محمدباقر صابری زفرقندی[7]، محمدعلی همتی[8]، مهدی تهرانی‌دوست[9]، فیروزه رییسی[10]، سیدحسین سلیمی[11]، پرویز آزادفلاح[12]، سیاوش لاجوردی[13]

۱. ***نویسنده مسئول:** استاد، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) و گروه سلامت روانی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران، afa1337@gmail.com
۲. استادیار، مرکز تحقیقات طب و دین، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج)، تهران، ایران
۳. محقق، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۴. محقق، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج)، تهران، ایران
۵. استاد، گروه ایمونولوژی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات ایمونولوژی مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۶. استاد، گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۷. استاد، دانشکده علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۸. گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد، تهران، ایران
۹. استاد، گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۱۰. استاد، گروه روان‌پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۱۱. استاد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج)، تهران، ایران
۱۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۱۳. محقق، فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: عدم توانایی زوجین در حل تعارضات، افراد را به سمت طلاق سوق می‌دهد. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل مؤثر بر طلاق در ایران طی ده سال گذشته انجام شد.

روش: در یک مرور سیستماتیک، تمام مقالات یک دهه گذشته در خصوص علل طلاق که در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Scopus، web of science، google scholar، Magiran، ISC، SID نمایه شده‌اند با استفاده از کلیدواژه‌های معین مورد جستجو قرار گرفتند. از مجموع مقالات، با رعایت ملاک‌های ورود و خروج، در نهایت ۲۷ مقاله استخراج شد که با دستورالعمل PRISMA مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده را می‌توان در چندین طبقه دسته‌بندی کرد. این طبقات شامل عوامل جمعیت‌شناختی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل شخصیتی، عوامل مربوط به ناسازگاری بین زوجین، عوامل خانوادگی و عوامل زیستی- روانی است. افزون بر آن ۲۰ مورد از مهمترین عوامل طلاق طی ۱۰ سال گذشته به ترتیب فراوانی عبارت بودند از: بیکاری مرد، عدم تفاهم اخلاقی، ناباروری، تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی، دخالت اطرافیان، بیماری‌های روانی، اعتیاد به مواد و الکل، مشکلات مالی و درآمد ناکافی، ازدواج تحمیلی و اجباری، عدم رضایت جنسی، خشونت خانگی، بی‌علاقگی به همسر، خیانت به همسر، ازدواج مجدد، بیماری‌های جسمی، انتظارات غیرواقع بینانه، بداخلاقی، بددهنی و فحاشی، مشکلات حقوقی و قضایی، عدم اعتماد به یکدیگر و فساد اخلاقی و خوش‌گذرانی‌های نامشروع.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش سیاست‌گذاران سلامت می‌توانند با توسعه برنامه‌ها، طلاق را به عنوان یک آسیب اجتماعی جدی کاهش دهند.

کلیدواژه‌ها: ایران، پیشگیری و کنترل طلاق، طلاق، مرور سیستماتیک

مقدمه

ازدواج به عنوان نهادی اجتماعی، پایه و اساس ارتباطات انسانی و سلامت روانی را تشکیل می‌دهد (۱). افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد از سلامت روانی بیشتر و طول عمر بالاتری برخوردار هستند (۲). در اسلام ازدواج، سنت و روش پیامبر(ص) و امری فطری تلقی شده است. اسلام ازدواج را پیمانی بسیار استوار و امری مقدّس و معنوی می‌داند. ازدواج بستر تأثیر و تاثّر شدید زن و شوهر از یکدیگر است. هدف ازدواج تأمین آرامش روانی و تامین نیازهای عاطفی، جنسی، روانی، اقتصادی و اهتمام برای رشد شخصیت و کمال معنوی و اخلاقی یکدیگر و تولید و پرورش نسل سالم است. در نگاه پیامبر اسلام (ص)، نیز هیچ بنایی محبوب‌تر و عزیزتر نزد خدا از ازدواج قرار داده نشده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

ازدواج حساس‌ترین رابطه خانوادگی قلمداد می شود. این حساسیت نه تنها در کسب و حفظ صمیمیت؛ بلکه در حفظ ساختار خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است (۳). بااین‌حال وجود تعارض در روابط بین فردی و روابط زناشویی اجتناب ناپذیر است. عدم توانایی در حل تعارضات و برخورد مناسب با آنها، ممکن است افراد را به سمت طلاق سوق دهد. به علاوه مسائلی که منجر به طلاق می‌شوند، ممکن است آشکار باشند و یا اینکه در طول زمان ایجاد شده و تشدید شوند (۴).

امروزه افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که افراد به دلایل مختلف حاضر به حفظ رابطه زناشویی خود نیستند و ترجیح می‌دهند جدا شوند(۵). تقریباً نیمی از کودکان آمریکایی، در دوره کودکی شاهد طلاق والدین خود بوده‌اند (۶). بر اساس آمارهای موجود، نسبت طلاق در آمریکا ۵۵ درصد، در آلمان ۴۵ درصد و در استرالیا و انگلستان ۴۰ تا ۴۵ درصد گزارش شده است (۷). اگرچه بسیاری از کشورها آمار واقعی طلاق را گزارش نمی‌کنند؛ براساس آمارهای منتشر شده بین ۳ تا ۷۱ درصد ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد که این روند رو به افزایش است. کشورهای بلژیک، پرتغال، مجارستان، جمهوری چک، اسپانیا، لوکزامبورگ، استونی، کوبا، فرانسه، آمریکا، لیتوانی، روسیه و سوئیس، به ترتیب ۱۳ کشوری هستند که میزان طلاق در آنها بالاتر از ۵۰ درصد است (۸). جامعه ایران در سال‌های اخیر شاهد افزایش نرخ طلاق بوده است. به طوری‌که در سال ۱۳۷۹ به ازای هر ۱۲ ازدواج یک طلاق، در سال ۱۳۸۹، به ازای هر ۶/۵ ازدواج یک طلاق و در سال ۱۳۹۹ به ازای هر ۲/۹۷ ازدواج یک طلاق رخ داده است، که بیانگر افزایش قابل توجه نرخ طلاق است (۹).

محققان (۱۰)، طلاق را از مهم‌ترین پدیده‌های حیاتی انسان تلقی می‌کنند. این پدیده دارای ابعادگسترده‌ای است. نخست اینکه پدیده‌ای روانی است چرا که نه تنها بر تعادل روانی فرد، بلکه بر تعادل روانی فرزندان، بستگان، دوستان و حتی سایر اعضای جامعه اثر می‌گذارد. دوم اینکه پدیده‌ای اقتصادی است که به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و سوم اینکه طلاق پدیده‌ای مؤثر بر تمامی جوانب جمعیتی از لحاظ کمیت و کیفیت است. چرا که تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و همچنین، موجب می‌شود فرزندانی محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه داده شوند.

طلاق عامل استرس‌زای بین فردی مهمی است که ظرفیت افزایش پیامدهای منفی مربوط به سلامت برای فرد و فرزندان را در بر دارد (۱۱) و برای اکثریت افراد، طلاق و پیامدهای آن، با تعارض، استرس و احساس درماندگی و تنهایی همراه است و منجر به تغییراتی در رفتار، وضعیت مالی و سبک زندگی می‌شود.

آمارها بیانگر آن است که موضوع طلاق طی یک دهه اخیر جامعه ایران را با چالش‌هایی مواجه کرده است واز آنجا که خانواده، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است، از هم گسیختگی آن به عنوان یک نهاد، تأثیرات بسیار نامطلوبی بر جامعه دارد که برای جلوگیری از این تأثیرات، شناخت عوامل طلاق و در ادامه ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از آن لازم و ضروری است؛ لذا این مطالعه با توجه به تحولات سریع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی طی یک دهه گذشته، با هدف تعیین عوامل مؤثر بر طلاق در جامعه ایران طی ۱۰ سال گذشته انجام شده است.

روش

این پژوهش با توجه به هدف آن یعنی مرور تحقیقات پیشین به شیوه‌ی نظام‌مند (سیستماتیک) صورت گرفته است. در این روش جستجوی متون با استفاده از کلید واژه‌های تعیین شده و فرمول جستجو انجام گرفته است. با در نظر گرفتن دستورالعمل پژوهش مبتنی بر پریزما ۲۰۰۹ (PRISMA- Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses)، از پایگاه‌های علمی مختلف داخلی و خارجی با کلیدواژه‌های طلاق، طلاق قانونی، عوامل طلاق، سبب‌شناسی طلاق در بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ شمسی و در همین بازه‌ی زمانی میلادی در میان مجلات انگلیسی زبان مقالات مرتبط به خانواده ایرانی جمع‌آوری شدند. در مرحله نخست خلاصه مقالات مورد بررسی قرار گرفت و سپس براساس تطبیق مطالب و محتوای مقالات با ملاک‌های ورود و خروج مورد نظر، مقالات نهایی برای مرور اطلاعات انتخاب و با ذکر جزئیات مربوطه تحلیل شدند. ملاک‌های ورود به این پژوهش، تمامی مقالات چاپ شده طی سال های ۱۳۹۹- ۱۳۸۸ شامل؛ مطالعات مقطعی، نمونه- شاهد و کوهورت، مطالعاتی که در آن‌ها عوامل طلاق به عنوان متغیر مواجهه مطرح شده اند، مطالعاتی که در آنها طلاق قانونی به عنوان متغیر پیامد ذکر شده است و مطالعاتی که در کشور ایران انجام شده است؛ ملاک‌های خروج از نمونه نیز شامل مطالعات مداخله‌ای، مطالعات مربوط به عوامل مؤثر بر طلاق در خارج از کشور و مطالعات مربوط به سال‌های قبل از ۱۳۸۸ بود.

پژوهشگران در این مطالعه کلیدواژه‌های مزبور را در پایگاه‌های نمایه سازی مقالات علمی مختلف از جمله PubMed، Scopus، web of science، google scholar و مگ ایران، پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC) و پایگاه استنادی جهاد دانشگاهی (SID) مورد بررسی قرار دادند.

پس از جمع‌آوری متن تمام مقاله‌ها توسط دو پژوهشگر، مقالات مورد ارزیابی قرار گرفتند و اطلاعات مورد نیاز استخراج شد. در مرحله بعدی دیگر پژوهشگران اطلاعات استخراج شده را براساس شیوه پریزما تکمیل کردند. در غربالگری، ابتدا عنوان و چکیده و سپس تمام متن مقاله‌ها بررسی شد، سپس سنتز کیفی و کمّی اطلاعات مقالات انجام پذیرفت و در نهایت مقاله‌های واجد شرایط انتخاب شدند.

برای ارزیابی کیفی نتایج مطالعه از مقیاس Effective Public Health Practice Project tool for observational studies که توسط آرمیجو-الیو و همکاران (۱۲)، مطرح شده، بهره گرفته شد. این مقیاس ابعاد سوگیری در تحلیل را مورد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/7.2.18]

ارزیابی قرار می‌دهد و دارای یک بازبینه ۲۷ آیتمی است و برای هر آیتم ۳ گزینه: قابل اجرا نیست، گزارش نشده است و گزارش شده است؛ در نظر گرفته شده که در آن چگونگی نگارش عنوان، خلاصه، روش‌ها، نتایج، بحث و منبع حمایت مالی هر مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. در صورت واضح نبودن این معیارها در مقاله، با خواندن مجدد و چندباره قسمت‌های مبهم مقاله به دنبال برداشت دقیقی از مطالعه بودیم. داده‌های به‌دست آمده در مرحله ارزیابی کیفیت مقالات با استفاده از آمار توصیفی تحلیل و گزارش شد.

براساس قاعده پریزما مراحل شناسایی و غربال‌گری مطالعات دنبال شد که شامل ۴ مرحله است که در نمودار ۱ به نمایش درآمده است. پس از جستجوی منابع مطالعات علمی در مجموع بر اساس ترکیب کلمات کلیدی ۶۶۱۸ مطالعه از منابع اطلاعات علمی بازیابی شدند. پس از غربالگری و حذف مطالعات تکراری تعداد ۵۷۴۲ مطالعه باقی ماند. این مطالعات وارد مرحله غربالگری براساس عنوان‌ها و چکیده‌ها شدند. پس از کنار گذاشتن مطالعات غیرمرتبط ۷۸۹ مطالعه به طور تمام متن گردآوری شدند. از این میزان تعداد ۴۶۸ مطالعات وارد مرحله نهایی شده و در نهایت ۲۷ مطالعه واجد شرایط مرور سیستماتیک شناخته شدند. این توضیح لازم است که در این مطالعه فقط طلاق قانونی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است و سایر انواع جدایی در پژوهش لحاظ نشده است.

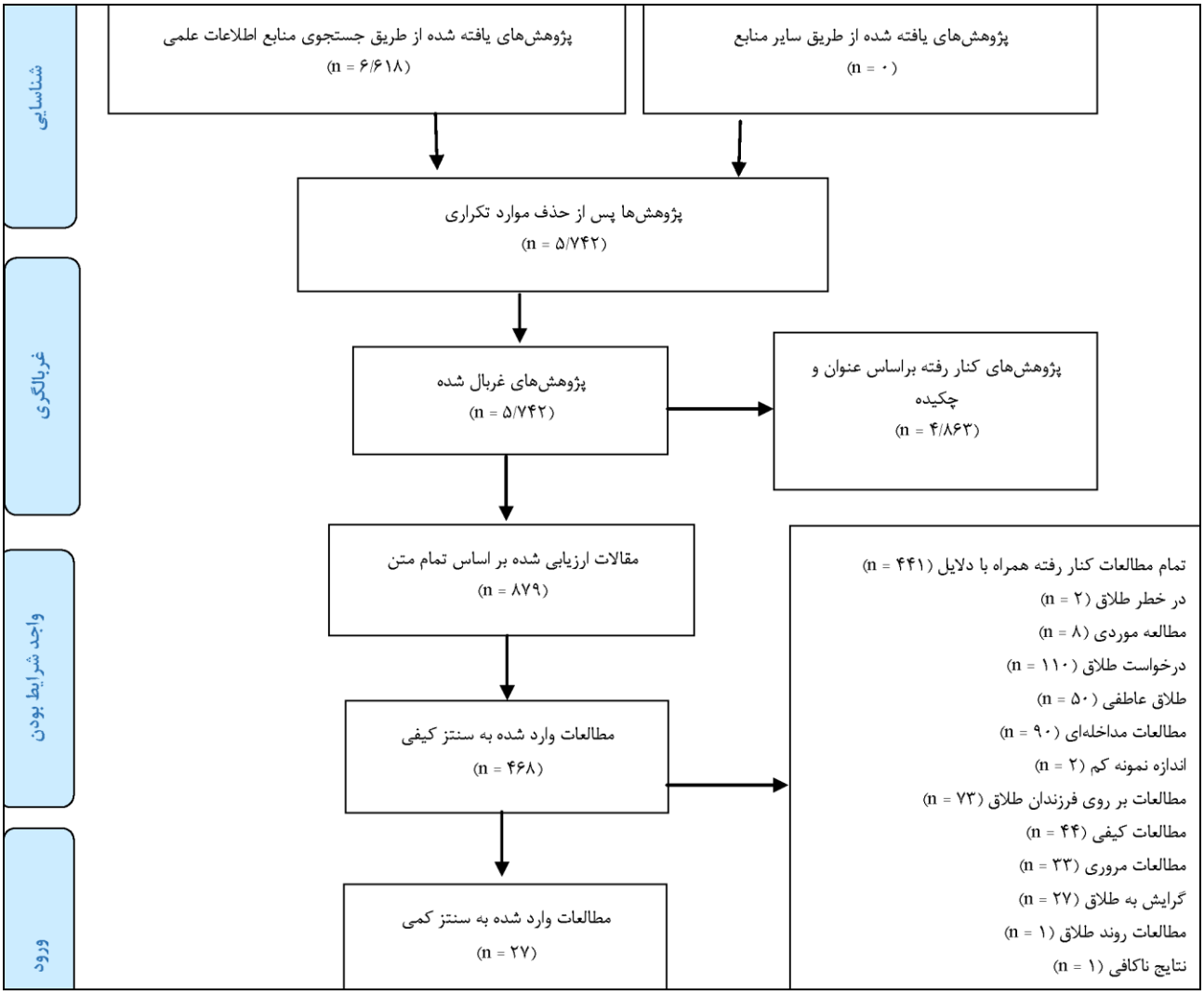

نمودار ۱. نمودار غربالگری مطالعات

یافته‌ها

کیفیت مطالعات وارد شده در مرور سیستماتیک با بررسی چهار مولفه شامل سوگیری انتخاب، ارزیابی مواجهه، داده‌های از دست رفته و گمشده و در نهایت ارزیابی کوواریانس‌ها بررسی شد. نتایج حاصل از ارزیابی کیفی نشان داد که در مولفه سوگیری انتخاب، اغلب مطالعات دارای سوگیری پایین و متوسط بودند. در بعد دوم تمامی مطالعات سوگیری پایین و متوسط داشتند بجز دو مطالعه که دارای سوگیری بالا بود. در بعد سوم تمامی مطالعات سوگیری پایین و متوسط داشتند و مطالعه‌ای با سوگیری بالا یافت نشد. در بعد آخر تمامی مطالعات سوگیری بالا داشتند. خلاصه بررسی مطالعات انجام شده در جدول ۱ آمده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.22034/7.2.18]

جدول ۱. مطالعات وارد شده در مرور سیستماتیک و ویژگی‌های آنها

نویسندگان و سال	استان/ شهر تعداد نمونه	طرح مطالعه	سن و جنس	عامل‌های خطر	نوع سنجش	نتایج
آقاجانیان	شیراز ۲۵۴	مقطعی مورد-شاهدی	سن نامشخص هر دو جنس	بی‌فرزندی، شهری/ روستایی، محل تولد، بی‌سوادی، سواد دانشگاهی، نوع شغل مردان، وضعیت اشتغال زنان مذهبی بودن	مصاحبه	بی فرزندی با نسبت خطر ۵/۲. درصد، سکونت کلان شهری با نسبت خطر ۱/۱۰ درصد، سکونت روستایی با نسبت خطر ۰،۵۰.، تولد در روستا با نسیت خطر ۰/۵۰، رابطه U شکل بین تحصیلات و طلاق، بی سوادی (نرخ ۳/۵)، دانشگاهی (۱/۱). در مردان دارای شغل مدیریتی/تخصصی بیشترین نرخ طلاق است(نرخ ۷/۱) سپس مشاغل خدماتی (نرخ ۲/۳). اشتغال قبل از ازدواج (نرخ ۱/۴) و بعد از ازدواج (نرخ ۱/۴) زنان مرتبط است با طلاق. مذهبی بودن با کاهش نرخ طلاق مرتبط بود
علی‌نژاد	ایلام ۱۹۶	مقطعی مورد-شاهدی	۱۶-۶۵ فقط زنان	اشغال زنان، باورهای مذهبی، مداخله اطرافیان، انتظارات غیرواقع‌بینانه	پرسشنامه	اشتغال زنان عامل بازدارنده طلاق زودرس بود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده طلاق زودرس بود. مداخله اطرافیان عامل افزایش دهنده احتمال طلاق زودرس بود. انتظارات غیرواقع بینانه از همسر عامل افزایش دهنده احتمال طلاق زودرس بود. این عامل ها تأثیر معناداری بر روی طلاق دیررس نداشتند.
دانائی فر	تهران ۱۲۴	مورد-شاهدی	۸۹/۹±۱۳/۳۴ ۷۳/۴ درصد زنان	هم وابستگی	پرسشنامه هم‌وابستگی اسپن و فیشر	هم وابستگی با طلاق مرتبط است.
عنایت	بوشهر ۴۰۰	مورد-شاهدی	۱۵-۳۴ جنس نامشخص	امنیت اقتصادی	پرسشنامه و مصاحبه	عدم امنیت اقتصادی پایین مرتبط با طلاق است. عدم رضایت از زندگی مرتبط با طلاق است. ارضای نیازهای عاطفی مرتبط با طلاق نیست. احساس تعلق به خانواده مرتبط با طلاق نیست. پایبندی دینی بازدارنده طلاق است. تأثیرپذیری از دوستان مرتبط با طلاق نیست. عدم همسان همسری با طلاق مرتبط است. عدم تفاهم زناشویی با طلاق مرتبط است. میزان اعتماد به همسر مرتبط با طلاق نیست .
قمری گیوی	تهران، البرز ۱۳۵۳	مورد-شاهدی	۱۶-۶۵ ۵۳/۶ درصد زنان	هیجان‌خواهی، عملکرد خانواده	مقیاس هیجان‌خواهی و عملکرد خانواده	هیجان خوانی با طلاق مرتبط است. اختلال در عملکرد خانواده با طلاق مرتبط است.
هزارجریبی	تهران ۳۴۶	مورد-شاهدی	≥ ۲۰ ۳۷ درصد زنان	فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی	پرسشنامه	اعتیاد همسر با طلاق مرتبط است. استفاده از فناوری ارتباطات با طلاق مرتبط است. کتمان در زندگی زناشویی ا طلاق مرتبط است. عدم تفاهم و اطمینان با طلاق مرتبط است. عدم استقلال در زندگی با طلاق مرتبط است. عدم تعهد به رابطه زناشویی با طلاق مرتبط است. عدم رضایت از رابطه جنسی با طلاق مرتبط است. مشکلات مالی با طلاق مرتبط است. خودخواهی و احساس مالکیت با طلاق مرتبط است. تفاوت ارزشی و فرهنگی با طلاق مرتبط است.
صادقی	کل استان‌ها ۱۹۱۳۷۰	مورد-شاهدی گذشته‌نگر	۱۵ تا ۲۹ ساله هر دو جنسیت	جنسیت، سن، اشتغال به تحصیل، تحصیلات، وضعیت اشتغال، طبقه شغلی، محل سکونت	ثبت‌محور	احتمال طلاق در زنان بالاتر است. در بازه سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ در مقایسه با ۱۹-۱۵ احتمال طلاق بالاتر است. در وضعیت اشتغال به تحصیل زنان احتمال طلاق بالاتر است. تحصیلات دانشگاهی در زنان بازدارنده طلاق است. در وضعیت اشتغال مردان بازدارنده طلاق است. در وضعیت اشتغال زنان احتمال طلاق بالاتر است. طبقه شغلی بالاتر بازدارنده طلاق است. در سکونت در شهر احتمال طلاق بالاتر است. وضعیت داشتن فرزند بازدارنده طلاق است.
صداقت	مازندران ۲۸۰	مورد-شاهدی	سن نامشخص ۵۰ درصد زنان	سطح تحصیلات، تفاوت عقاید، دخالت دیگران، برآورد نشدن انتظارات، وضعیت شغلی	پرسشنامه	سطح تحصیلات با احتمال طلاق مرتبط است. تفاوت عقاید با احتمال طلاق مرتبط است. دخالت دیگران با احتمال طلاق مرتبط است. برآورد نشدن انتظارات با احتمال طلاق مرتبط است. وضعیت شغلی نامناسب با احتمال طلاق مرتبط است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

ادامه جدول ۱. مطالعات وارد شده در مرور سیستماتیک و ویژگی‌های آنها

نویسندگان و سال	استان/ شهر تعداد نمونه	طرح مطالعه	سن و جنس	عامل‌های خطر	نوع سنجش	نتایج
مختاری	یاسوج ۳۸۴	پیمایشی	نامشخص هر دو جنس	تفاوت تحصیلی، اختلاف سنی، رضایت جنسی، وفاداری	پرسشنامه	بین میزان رضایت جنسی و عاطفی، میزان شناخت قبل از ازدواج و میزان وفاداری به همسر با طلاق رابطه معکوس و بین تفاوت تحصیلی، اختلاف سنی و اختلاف طبقاتی رابطه مستقیم وجود دارد.
عبداللهی	نامشخص نامشخص	مقطعی	≥ ۳۱ جنس نامشخص	بهداشت روانی، امنیت جسمانی	پرسشنامه	بهداشت روانی و امنیت جسمانی تأثیری مثبت بر طلاق دارند.
علی ماندگاری	تهران ۴۰	گذشته‌نگر	مردان ۳۷/۷ زنان ۳۸/۷ ۵۰ درصد زنان	مدت زناشویی، عامل‌های اقتصادی	پرسشنامه	مدت زناشویی کمتر از ۱۰سال. بیکاری، اشتغال نامناسب، شرایط بد اقتصادی، اشتغال زنان.
آسنجرانی	اراک ۱۰۰	مقطعی	۳۳/۲ ±۶/۴ ۳۴/۶ ±۵/۲ زنان	سبک‌های مقابله‌ای، تاب‌آوری، رضایت از زندگی	پرسشنامه	رضایت از زندگی، سبک مقابله مسئله‌مدار، سبک مقابله هیجان مدارف سبک مقابله اجتنابی، تاب‌آوری
عسکری ندوشن	کل استان‌ها ۲۱۸۹۸	گذشته‌نگر	سن نامشخص ۶۴/۸درصد زنان	وضعیت سکونت، جنسیت، تحصیلات، موقعیت اجتماعی، اقتصادی، وضعیت اشتغال	پرسشنامه	سکونت در شهر احتمال طلاق را ۸۲ درصد بالا می‌برد. مرد بودن احتمال طلاق را ۷۶ درصد کاهش می‌دهد. تحصیلات با احتمال طلاق رابطه U معکوس دارد. موقعیت اقتصادی اجتماعی ضعیف احتمال طلاق را ۴۶ درصد افزایش می دهد بود، سپس موقعیت اقتصادی اجتماعی متوسط بود با ۳۰ درصد. بیکاری ۳۹ درصد احتمال طلاق را بالا می‌برد. در حال تحصیل بودن ۸۸ درصد احتمال طلاق را بالا می‌برد.
دیبایی	اهواز ۳۰۰	گذشته‌نگر	≥ ۱۶ ۵۳/۳ درصد زنان	وضعیت اجتماعی اقتصادی، مشکلات سلامت، جسمی و روانی، اختلافات زناشویی	پرسشنامه	تعداد بیشتر فرزندان رابطه معکوس با طلاق داشت. ۲۱ درصد عدم تفاهم، ۱۷ درصد اعتیاد مردان، ۹ درصد دخالت دیگران، ۶ درصد بیماری روانی همسر، ۵ درصد ترک خانه توسط همسر، ۴درصد بیماری جسمی همسر، ۴ درصد نازایی همسر، ۴ درصد محکومیت به حبس طولانی همسر، ۴ درصد ازدواج تحمیلی و عدم علاقه، ۳/۶ درصد عدم تمکن مالی، ۳/۶ درصد ولخرجی همسر، ۳/۶ درصد بی بندو باری همسر، سه درصد عدم تمکین جنسی، سه درصد عدم توافق درباره محل سکونت و سه درصد بیکاری و مشکلات مالی بود.
فلاحی	کل استان‌ها نامشخص	گذشته‌نگر	نامشخص نامشخص	بیکاری، تورم، تحصیلات، شهرنشینی	پرسشنامه	افزایش بیکاری، افزایش تورم، افزایش تحصیلا عالی و افزایش شهرنشینی با بالار رفتن احتمال طلاق مرتبط بودند.
فرهادی	کرمانشاه نامشخص	گذشته‌نگر	نامشخص نامشخص	وضعیت اجتماعی اقتصادی، مشکلات سلامت جسمی و روانی، اختلافات زناشویی	پرسشنامه	احتمال طلاق در ۵ سال اول زندگی در مقایسه با ۵ سال به بعد زندگی کمتر است (۳۹ درصد در برابر ۶۱ درصد). عدم آشنایی قبلی در مقایسه با آشنایی قبلی با احتمال طلاق مرتبط بود (۶۵ درصد در برابر ۳۵ درصد). عدم رضایت زندگی زناشویی در مردان در مقایسه با عدم رضایت از رندگی زناشویی در زنان با احتمال طلاق مرتبط بود (۵۲ درصد در برابر ۴۸ درصد). ۵ درصد علل طلاق اعتیاد، دو درصد خیانت، ۵ درصد بیکاری، ۴ درصد عدم مسئولیت‌پذیری، دو درصد عدم رضایت جنسی، ۱۶ درصد دخالت دیگران، ۴ درصد ضرب و شتم، ۹ درصد سوءظن و بدبینی، ۳ درصد اختلاف طبقاتی، ۵ درصد درآمد ناکافی مردان، ۰/۰۸ درصد ازدواج مجدد مرد، یک درصد نداشتن مسکن، ۲ درصد ازدواج تحمیلی، ۰/۰۸ اختلافات مذهبی، ۰/۰۶ درصد ورشکستگی سرپرست، ۰/۵ درصد عقیم بودن مرد، ۱ درصد نازایی زن، ۰/۵ درصد بیماری (به‌ویژه وسواس)، ۰/۰۹ درصد مهاجرت، ۳ درصد بدهنی، ۶ درصد بی‌احترامی، ۶ درصد بی‌توجهی، ۵ درصد دروغگویی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

ادامه جدول ۱. مطالعات وارد شده در مرور سیستماتیک و ویژگی‌های آنها

نویسندگان و سال	استان/ شهر تعداد نمونه	طرح مطالعه	سن و جنس	عامل‌های خطر	نوع سنجش	نتایج
فولادی	تبریز ۱۰۰ زوج	گذشته‌نگر	نامشخص نامشخص	اقتصادی،اجتماعی، فرهنگی، فردی	پرسشنامه	۴۰ درصد به علل اجتماعی (ازدواج تحمیلی، توقعات نابجای زوجین از یکدیگر، سابقه دوستی قبل از ازدواج، تفاوت‌های تربیتی ۶ درصد در علل طلاق سهم داشتند، مداخله دیگران ۵ درصد سهم داشت). ۳۴ درصد به علل فردی (شامل عدم تفاهم و تعارضات زوجین و عدم ابراز علاقه هر کدام ۶ درصد سهم داشتند، ازدواج پنهای مرد ۵ درصد، نازایی، بی‌اعتمادی، عدم محبت، عدم تمکین هر کدام ۳ درصد نقش داشتند، ۱۳ درصد به علل اقتصادی (شامل اختلافات مالی و بیکاری مرد هر کدام ۵ درصد، رقابت و چشم‌و هم‌چشمی مالی ۲ درصد). ۱۰ درصد به علل فرهنگی (شامل عدم تفاهم و تعارضات فکری زوجین، خوشگزانی های نامشروع، خیانت و معاشرت با افراد ناباب، عبور به جامعه مردن و سست شدن بنیان خانواده هر کدام ۲ درصد)
قدیمی	زنجان ۱۲۵۴	گذشته‌نگر	≥۱۹ هر دو جنسیت	اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی	پرسشنامه	۳۴/۸ درصد علل طلاق به علت اختلاف و عدم تفاهم ، ۱۲/۱ درصد اعتیاد و قاچاق، ۱۱/۳ درصد فساد اخلاقی، ۳/۵ درصد مشکلات جنسی، ۵/۱ درصد مشکلات روانی، ۱۱/۶ درصد بیکاری و فقر، ۴ درصد ازدواج تحمیلی، ۸/۱ درصد دخالت دیگران، ۰/۰۸ درصد طلاق عاطفی، ۱/۷ درصد اختلاف سنی، ۲/۹ درصد عدم شناخت قبل از ازدواج و ۲/۷ درصد ازدواج مجدد مرد بود.
قطبی	تهران ۶۹	گذشته‌نگر	۱۶-۴۵ ۶۵/۲ درصد زنان	اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی	پرسشنامه	بالا بودن احتمال طلاق در خانواده های بدون فرزند. بالا بودن احتمال طلاق در ازدواج های تحمیلی. با افزایش سن احتمال طلاق کاهش می یابد. در شیوه آشنایی سنتی نسبت به آشنایی در محل کارو تحصیل احتمال طلاق پایین تر است. در ۳۱ زوج علت طلاق را عدم تفاهم اخلاقی بود به عنوان اولین عامل مهم، اعتیاد ،دخالت دیگران، مشکلات مالی و بیکاری، مشکلات روانی، ازدواج تخمیلی، بدگمانی همسر، مشکلات جنسی، بیماری جسمی، خیانت همسر، ازدواج دوم مرد و نازایی در رتبه‌های بعد بودند.
حبیب‌پور گتابی	مازندران ۹۸۰	گذشته‌نگر	سن نامشخص هر دو جنسیت	اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی، فردی	پرسشنامه	۳۲/۴ درصد علل طلاق به علت فرهنگی بود (عدم تفاهم ۲۱/۴ درصد، عدم رعایت اصول مذهبی ۷/۱ درصد، اختلاف سلیقه ۳/۳ درصد). ۲۴/۵ درصد علل طلاق به علت اجتماعی بود (ازدواج مجدد مرد ۳/۱ درصد، ازدواج تحمیلی و عدم شناخت کافی ۲/۹ درصد، روابط جنسی خارج از ازدواج ۲/۷ درصد، زندانی بودن مرد ۲/۴ درصد، دخالت دیگران ۲/۳ درصد، عدم مسئولیت‌پذیری ۲/۲ درصد، بی‌اعتمادی به همدیگر ۲ درصد، انتظارات نابجا ۲ درصد، توهمات منفی نسبت به هم ۱/۲ درصد و دوستی و ارتباط قبل از ازدواج ۷ دهم درصد). ۱۹/۹ درصد علل طلاق به علت شخصی بود (مصرف مواد یا الکل ۶/۴ درصد، خشونت کلامی ۳/۵ درصد، خشونت فیزیکی ۲/۷ درصد). ۱۹/۹ درصد علل طلاق به علت افتصادی یود (بیکاری و بی‌ثباتی شغلی ۶/۸ درصد، مشکلات مالی و نداشتن درآمد کافی ۳/۹ درصد، فقدان مسکن ۳/۷ درصد، استقلال‌خواهی مالی زنان ۲ درصد، مهریه سنگین ۱ دهم درصد). ۶/۴ درصد علل طلاق به علت جمعیتی بود (بیماری جسمی یا روانی ۲/۷ درصد، اختلاف سنی ۲ درصد، نازایی ۱/۷ درصد).

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

ادامه جدول ۱. مطالعات وارد شده در مرور سیستماتیک و ویژگی‌های آنها

نویسندگان و سال	استان/ شهر تعداد نمونه	طرح مطالعه	سن و جنس	عامل‌های خطر	نوع سنجش	نتایج
مشکی	گناباد ۱۲۳	گذشته‌نگر	نامشخص ۶۵/۸ درصد زنان	اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی	پرسشنامه	۶۰/۷ درصد موارد طلاق در ۵ سال اول زندگی بود ۶۳/۳ درصد موارد طلاق در مناطق شهری بود مهمترین عوامل اجتماعی شامل مصرف سیگار، اعتیاد به مواد،ارتباط نامشروع، محکومیت قضایی، قاچاق مواد، بزهکاری بودند. مهمترین عوامل فرهنگی شامل عدم تفاهم، دخالت دیگران، انتظارات بیجا، سخت گیری زیاد، ضعف پایبندی به اعمال مذهبی، ازدواج تحمیلی، نارضایتی از شغل همسر، مشکلات در روابط با فامیل، تجمل گرایی، زندگی در محل غیردلخواه، اختلاف در شیوه تربیت فرزندان بود مهمترین عوامل اقتصادی شامل تقاضای مهریه، ندادن نفقه، بیکاری، مشکلات مالی همسر، نداشتن منزل مسکونی، نداشتن وسیله نقلیه بودند. مهمترین عوامل فردی شامل بداخلاقی و عصبانیت، عدم وجود عشق در زندگی مشترک، بهانه‌گیری بی مورد، حرف شنوی از خانواده و بستگان؛ بی‌احترمی به خانواده همسر، عدم مشورت در امور زندگی، فحاشی و سوءرفتار روانی، سوءظن، بی‌علاقگی به همسر، سوءرفتار جسمی با همسر، وضعیت ظاهر نامناسب، تحقیر همسر، مشکلات جنسی، ازدواج مجدد مرد، اختلاف سنی، بیماری جسمانی یا روانی، نازایی و مشکلات باروری
میلاد علمی	کل استان‌ها	گذشته‌نگر	نامشخص ۲/۴ درصد زنان	اقتصادی، جمعیتی	پرسشنامه	افزایش تعداد اعضای خانواده، داشتن شغل، با سواد بودن سرپرست خانواده و داشتن درآمد با کاهش احتمال طلاق مرتبط هستند. اشتغال زن، تحصیلات عالی زن با افزایش احتمال طلاق مرتبط است. رابطه U شکل بین سن سرپرست خانواده با احتمال طلاق است
محمدپناه	سنندج ۴۵۰	مقطعی	نامشخص زنان	اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فردی	پرسشنامه	۶۶/۵ درصد طلاق در ۱۰ سال اول زندگی بود. ندادن خرجی علت ۳۱/۳ درصد طلاق بود تفاوت فرهنگی علت ۲۸ درصد طلاق بود. عدم تفاهم اخلاقی علت ۴۰,۷ درصد طلاق بود. ۴۳ درصد به دلیل فردی بود. ۸/۴ درصد به علت اقتصادی بود. ۳۱ درصد به علت مسایل اجتماعی بود. ۱۷/۶ درصد طلاق به علت مسایل فرهنگی بود
ریحانی	گناباد ۴۴۴	گذشته‌نگر	نامشخص هر دو جنسیت	اجتماعی، اقتصادی، فردی	پرسشنامه	۹ درصد علل طلاق به علت جسمی و روانی بود ۱۵/۵ درصد علل طلاق به علت فرهنگی اجتماعی بود ۷۳ درصد علل طلاق به علت مذهبی- اخلاقی بود ۲/۵ درصد علل طلاق به علت اقتصادی بود بین سن، نوع شغل، تعداد فرزندان، تحصیلات و طلاق رابطه بود.
سیف‌زاده	قم ۴۴۴	مقطعی	۲۵-۲۰ زنان	خانوادگی، اجتماعی، فردی	پرسشنامه	خشونت خانوادگی با افزایش طلاق مرتبط است بین مشورت با والدین در هنگام ازدواج و احتمال طلاق رابطه است قبح اجتماعی و طبقه اجتماعی با طلاق مرتبط نبودند
سپیدنامه	ایلام نامشخص	گذشته‌نگر	نامشخص هر دوجنس	سن، مدت زمان ازدواج	پرسشنامه	بیشترین طلاق در چهار سال اول زندگی است با ۵۴/۷ درصد سن طلاق در زنان پایینتر است از مردان
توسلی	یزد ۳۴۶	گذشته‌نگر	۹۴-۱۴ هر دو جنسیت	اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی	پرسشنامه	فقر و بیکار با افزایش احتمال طلاق مرتبط بودند بیکاری مردان با افزایش احتمال طلاق مرتبط بود اختلافات فرهنگی ناشی از عدم تفاهم در نگرش‌ها با افزایش احتمال طلاق مرتبط بود اشتعال و استقلال مالی زنان با افزایش احتمال طلاق مرتبط بود اعتیاد یکی از زوجین با افزایش احتمال طلاق مرتبط بود

* به دلیل محدودیت در تعداد منابع از سوی مجله، منابع مقاله‌های بررسی شده در فهرست منابع آورده نشده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

براساس جدول ۱، از ۲۷ پژوهشی که وارد این مطالعه شد، نمونه‌گیری ۴ پژوهش به صورت ملی از کل استان‌های کشور و مابقی مربوط به استان‌های تهران، مرکزی، البرز، مازندران، قم، یزد، ایلام، خوزستان، کرمانشاه، کردستان، کهکیلویه و بویراحمد، آذربایجان شرقی، زنجان، خراسان، فارس و بوشهر بود. به علاوه نتایج به دست آمده را می‌توان در چندین طبقه قرار داد. این طبقات شامل عوامل جمعیت شناختی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل شخصیتی، عوامل مربوط به ناسازگاری بین زوجین، عوامل خانوادگی و عوامل زیستی- روانی است.

عوامل جمعیت‌شناختی همبسته با طلاق

بر اساس نتایج بدست آمده در این تحقیق، بیشتر طلاق‌ها در ۱۰ سال (به ویژه در ۵ سال) ابتدای زندگی رخ داده است. از نظر سن، بیشترین آمار مربوط به مردان ۲۵ تا ۲۹ ساله و زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله بوده است. به علاوه سکونت در شهرها و کلان شهرها، با طلاق همبسته است. در حالی که تولد و سکونت در مناطق روستایی با کاهش خطر طلاق مرتبط است. از طرف دیگر باورهای مذهبی یک عامل بازدارنده طلاق بوده است؛ اما وجود تفاوت‌های مذهبی بین زوجین یک عامل طلاق است.

عوامل اقتصادی همبسته با طلاق

در اغلب مطالعات وارد شده در این مطالعه، عامل اقتصادی به عنوان یکی از عامل‌های تأثیرگذار گزارش شده بود. بر این اساس در ۲۱ مطالعه به عامل اقتصادی پرداخته شده بود. عامل‌های اقتصادی بیان شده عبارت بودند از: بیکاری، وضعیت شغل، اشتغال قبل و بعد از ازدواج، عدم امنیت اقتصادی، بیکاری مرد، طبقه شغلی، وضعیت اقتصادی ضعیف، افزایش تورم، درآمد ناکافی مرد، ورشکستگی اقتصادی، عدم ثبات شغلی، نداشتن مسکن و فقر.

عوامل فرهنگی- اجتماعی همبسته با طلاق

عوامل فرهنگی- اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین عوامل گزارش شده بود. همانطور که ملاحظه می‌شود خیانت، ازدواج مجدد، مشکلات حقوقی و قضایی، درگیری بیش از حد در شغل‌های مدیریتی و تخصصی، اشتغال به کار بعد از ازدواج در زنان، استقلال مالی زنان، سطح تحصیلات بالاتر زنان، اختلاف با خانواده مبدا و ... مهمترین عوامل فرهنگی- اجتماعی در طلاق بودند.

عوامل مربوط به صفات شخصیتی همبسته با طلاق

ویژگی‌های شخصیتی زن یا مرد نقش مهمی در ثبات و تداوم زندگی دارد. برخی از صفات شخصیتی از جمله عدم مسئولیت‌پذیری، بهانه‌گیری، سخت‌گیری، پرخاشگری، بی‌توجهی، دروغ‌گویی، ولخرجی زیاد به‌ویژه در زنان، پنهان‌کاری و ... مهمترین صفات شخصیتی هستند که در این تحقیق به عنوان یکی از عوامل مؤثر در طلاق شناسایی شده‌اند.

عوامل مربوط به ناسازگاری بین زوجین همبسته با طلاق

روابط بین زوجین از مهارت‌های اساسی است که قبل از ازدواج لازم است کسب شده باشد. فقدان درک متقابل بین زوجین یک عامل مهم در طلاق است. عدم درک و سازگاری بین زوجین زمینه‌ساز طلاق است. عدم تفاهم اخلاقی، نارضایتی جنسی، خشونت کلامی و غیرکلامی یا فیزیکی، بی‌علاقگی به همسر، عدم تعهد به زندگی زناشویی، برآورده نشدن انتظارات یا انتظارات غیرواقع‌بینانه، اختلافات فرهنگی، فساد اخلاقی و خوش گذرانی نامشروع، و ... با افزایش طلاق مرتبط است.

عوامل خانوادگی همبسته با طلاق

یکی از عواملی که نقش اساسی در زندگی زناشویی دارد نوع رابطه زوجین با خانواده مبداء و نوع رابطه خانواده مبدأ با آنها است. از جمله مهمترین این عوامل دخالت بی مورد اطرافیان، ازدواج‌های تحمیلی و اجبار، ادامه اختلافات با خانواده همسر در خانه، عدم تفاهم و اختلافات فرهنگی، بی‌احترامی به خانواده همسر و ... است.

عوامل زیستی- روانی همبسته با طلاق

یکی از مهمترین اهداف زندگی حفظ آرامش است. اگر به هر دلیلی از جمله بچه دار نشدن به علت ناباروری زن یا شوهر، بیماری های روانی یا جسمانی یا اعتیاد به مواد یا الکل این آرامش به هم بخورد، شانس طلاق افزایش می‌یابد، همچنان که در نتایج این تحقیق به‌دست آمده است. مطالعات بیان می‌کنند داشتن فرزند یا فرزندان یک عامل محافظتی در برابر طلاق است و در مقابل عدم داشتن فرزند به عنوان عامل مرتبط با طلاق ذکر شده است. در همین ارتباط یک موضوع مهم ناباروری زوج یا زوجه است و این عامل نقش مهمی در طلاق دارد.

مهمترین عوامل طلاق طی ۱۰ سال گذشته

براساس یافته‌های این تحقیق به ترتیب فراوانی بیکاری مرد، عدم تفاهم اخلاقی، ناباروری، تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی، دخالت اطرافیان، بیماری‌های روانی، اعتیاد به مواد و الکل، مشکلات مالی و درآمد ناکافی، ازدواج تحمیلی و اجباری، عدم رضایت جنسی، خشونت خانگی (کلامی یا فیزیکی)، بی‌علاقگی به همسر، خیانت همسر، ازدواج مجدد، بیماری جسمی، انتظارات غیرواقع‌بینانه و نابجا، بداخلاقی، بددهنی و فحاشی، مشکلات حقوقی و قضایی، عدم اعتماد به یکدیگر و فساد اخلاقی و خوش‌گذرانی‌های نامشروع، مهمترین عوامل طلاق طی ۱۰ سال گذشته بودند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

بحث

بر مبنای نتایج به دست آمده، عوامل مرتبط با طلاق در ایران به چند دسته شامل عوامل جمعیت شناختی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل مرتبط با ناسازگاری بین زوجین و عوامل زیستی- روانی تقسیم شدند. بحث در مورد نتایج به دست آمده در ادامه آمده است.

عوامل اقتصادی شامل مجموعه‌ای از مولفه‌های فرعی بود که مهمترین آنها بیکاری مردان و متعاقب آن مشکلات مالی و درآمد ناکافی بود. این یافته با مطالعات انجام شده در سایر کشورها که نشان می‌دهد عوامل اقتصادی در طلاق نقش دارند، مطابقت دارد (۱۳). کیلوالد (۱۴)، گزارش کرد که مسائل مالی و شغلی نقش مؤثری در ثبات زناشویی دارد. همچنین فقدان کار تمام وقت برای مردان، خطر طلاق را افزایش می‌دهد. گنزالس وال و مارسن (۱۵)، نیز گزارش کردند که نرخ بیکاری رابطه مثبت معناداری با نرخ طلاق در سطح جامعه دارد. از طرفی طلاق می‌تواند مشکلات اقتصادی بیشتری را به دنبال داشته باشد (۱۶). مشکلات اقتصادی پس از طلاق بین مردان و زنان متفاوت است. زنان مشکلات اقتصادی بیشتری را تجربه می‌کنند (۱۷). از سوی دیگر، درست است که زندگی انسان‌ها با امکانات و رفاه مادی، سامان می‌گیرد و نیازهای زیستی و مادی اولین و اساسی‌ترین نیازها است، ولی اگر هدف نهایی ازدواج را آرامش، مودّت و محبّت و حمایت از هم (سوره روم، ۲۳) و رشد معنوی بدانیم، نگاه به امور مادی، به عنوان ابزار رسیدن به این امور خواهد بود. ولی گاه افراد و خانواده‌ها چنان درگیر و مشغول مادیات و تجمّلات زندگی می‌شوند که شادمانی و ارتباط خوب را فدای آن می‌کنند و به جای این که مال و ثروت در خدمت آنها باشد، آنان اسیر مال می‌شوند.

یافته دیگر به‌دست آمده از این پژوهش بیانگر آن است که ناباروری، بیماری‌های روانی، اعتیاد و بیماری‌های جسمانی به عنوان مهمترین عوامل زیستی- روانی در طلاق هستند. بی اعتمادی و تهمت زدن به همسر یکی از رذایل اخلاقی است که در دین مبین اسلام به شدت نکوهش شده است. حاکمیت فرهنگ اسلامی در جامعه و روابط بین انسان‌ها، به ویژه زن و شوهر، زمینه سوءظن و در نتیجه تهمت زدن را از بین می‌برد. زن و شوهر باید حدود الهی را در ارتباط با نامحرم رعایت کنند و خود را از مظان اتهام رها سازند تا به آنها اتهام ارتباط نامشروع زده نشود. بطور کلی مطالعات نشان داده‌اند مشکلات روانی در مردان و زنان خطر طلاق را دو برابر می‌کند (۱۸). یکی از عوامل مهم در احتمال طلاق، مسئله نداشتن فرزند و نزدیک‌ترین موضوع به آن ناباروری است. وجود فرزند سبب گرمی و نشاط شده و پیوند بین زوجین را افزایش می‌دهد. برعکس ناباروری رضایتمندی را کاهش داده، خلاء عاطفی افزایش می یابد و آرام آرام نشاط و شادی در زندگی کم شده، سردی حاکم می شود و در نتیجه منجر به طلاق می‌گردد. مطالعات نشان داده است که ناباروری مردان و زنان از عوامل خطر طلاق است. علاوه بر آن براساس مطالعه سالواتور و همکاران (۱۹)، الکلیسم، احتمال طلاق را افزایش می‌دهد. همچنین مطالعه طولی آماتو و راجرز (۲۰)، در امریکا و استاک و بندوسکی (۲۱) در روسیه نیز نشان دادند اعتیاد به مواد و مصرف مشروبات الکلی یکی از عوامل مؤثر طلاق است. اعتیاد به مواد و مشروبات الکلی، موجب دلسردی در زندگی شده و سبب می‌شود زوجین ابراز محبت کمتری نسبت به یکدیگر داشته باشند، همکاری و همزیستی بین آنها کاهش یابد. ضمن اینکه فرد مبتلا نمی‌تواند مسئولیت خود در خانواده به‌خوبی ایفا کند و از واقعیت زندگی گریزان است.

یکی دیگر از عوامل مهم در طلاق تفاوت‌های جمعیت شناختی است. مدت ازدواج، تفاوت تحصیلی و زندگی در شهر یا روستا مهمترین عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با طلاق در این تحقیق بودند. براساس یافته این تحقیق، فراوانی طلاق در سال‌های اولیه زندگی بیشتر از سال‌های بعد است. زوجین در سال‌های اولیه زندگی، ممکن است بیشترین تعارضات را که ناشی از عدم آمادگی و شناخت کامل از یکدیگر است داشته باشند. بنابراین، به دلیل عدم آمادگی و عدم شناخت کافی و انتظارات غیرواقع بینانه از یکدیگر یا نداشتن مهارت‌های کافی برای مدیریت زندگی، شیوع طلاق در سال‌های اولیه زندگی زوجین بیشتر از سایر دوره‌های زندگی است. این نتیجه هماهنگ با نتیجه پژوهش ریجاوک کلوبوکار و سیمونیک(۲۲) است که یکی از علل اصلی افزایش میزان طلاق را عدم آمادگی زوجین برای ازدواج می‌دانند. لهرر و سون (۲۳)، نیز در پژوهشی با عنوان بررسی سن ازدواج و بی‌ثباتی ازدواج به این نتیجه رسید که بین سن ازدواج و بی‌ثباتی زناشویی رابطه بسیار منفی وجود دارد. رابطه بین سن پایین هنگام ازدواج و اثرات منفی آن، در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (چری و همکاران (۲۴). بنابراین، یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده عدم ثبات زناشویی، سن کم به هنگام ازدواج است. در سنین پایین، افراد به آمادگی لازم برای ازدواج نرسیده‌اند و از بالندگی و پختگی هیجانی و عاطفی کمتری برخوردار هستند و این امر می‌تواند موجبات سستی پیوند زناشویی و در نهایت طلاق را فراهم کند. کاباتک و ربیر (۲۵)، نیز سن پایین در دختران را یکی از عوامل اصلی طلاق می‌دانند. به نظر آنها ازدواج دختران به ویژه در سنین نوجوانی موجب می‌شود تا تحت تأثیر بحران دوره نوجوانی باشند و استرس و تنش زیادی را تجربه کنند.

به‌علاوه در ۹ مطالعه از ۲۷ مطالعه در این تحقیق، یکی از دلایل طلاق تفاوت تحصیلی بود و تفاوت در سطح تحصیلات می‌تواند با طلاق همبسته باشد. هماهنگ با این نتیجه، مطالعات در فرهنگ‌های دیگر نشان دادند که زنان تحصیل کرده در زندگی زناشویی از ثبات بیشتری در مقایسه با زنان با تحصیلات پایین برخوردارند (۲۶)، به علاوه زنان تحصیل کرده از رضایت بیشتری از زندگی در مقایسه با زنان با تحصیلات پایین برخوردارند (۲۶). اگر چه برخی مطالعات به نتیجه‌ای معکوس دست یافته‌اند بدین معنا که برتری تحصیلی در زنان، پنداشت زیان را در آنان تقویت می‌کند و تقاضای طلاق را افزایش می‌دهد. در همین راستا کیلوالد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

(۱۴)، گزارش کرد استقلال اقتصادی زنان با خطر طلاق همراه است.

افزون بر یافته‌های فوق، یکی از مهمترین عوامل فرهنگی- اجتماعی مرتبط با طلاق به دست آمده در این تحقیق عبارت بودند از: خیانت، ازدواج مجدد، تفاوت‌های اعتقادی، مشکلات حقوقی، درگیری بیش از حد با کار، اشتغال به کار در زنان، استقلال مالی زنان، تحصیلات بالاتر زنان و اختلاف با خانواده مبدأ بوده است. خیانت یکی از مهمترین عوامل فرهنگی- اجتماعی به دست آمده در این تحقیق است. برخی از تحقیقات کاهش میزان دینداری و تمایلات زیاد جنسی را در خیانت دخیل دانسته‌اند. برخی مطالعات نشان داده‌اند احتمال خیانت جنسی در افرادی که علایق جنسی زیادی دارند و تمایلات جنسی برای آن‌ها اولویت دارد، در صورت استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر است. نیاز به صمیمیّت عاطفی زیاد در زنان کاربر شبکه‌های اجتماعی درصورتی‌که این نیاز از جانب همسرانشان پاسخ داده نشود، احتمال برقراری روابط فرازناشویی را در آنان زیاد می‌کند (۲۷).

از دیگر یافته‌های مرتبط با عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط با طلاق در این تحقیق، ازدواج مجدد مردان بود. تنوع‌طلبی و ازدواج مجدد مرد بدون دلیل موجه، عامل دیگری است که سبب آسیب‌زایی خانواده و طلاق می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود روابط زن و شوهر مخدوش و بنیان خانواده سست شود و سرنوشت فرزندان به خطر افتد. ازدواج مجدد مرد به هر دلیلی (بجز مواردی که شارع مقدس با رعایت همه شرایطش، آن را تجویز کرده است)، میزان طلاق را در جامعه افزایش می‌دهد. شهید مطهری می‌فرماید: تعدد زوجات ناشی از یک مشکل اجتماعی است نه طبیعت ذاتی مرد. اگر مردان به جای پرداختن به زن دیگر، اهتمام خود را به برطرف کردن مشکلات خانواده خود کنند، از زندگی با ثباتی برخوردار می‌شوند.

تفاوت در باورها و اعتقادات دینی زوجین، یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق بود. اعتقادات دینی از مهمترین عوامل مؤثر در رفتار انسان‌ها است. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، در پژوهش‌های متعدد، عامل فرهنگ به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر پدیده طلاق شناخته شده است (۲۸). به عقیده ایراستورزا (۲۹)، عامل فرهنگ می‌تواند یک پیش‌بین مهم برای طلاق باشد، زیرا فرهنگ متضمن دین، ارزش‌های خانواده و ادراکات خانواده‌ها در مورد روابط است و از این نظر با ثبات زناشویی ارتباط دارد. متأسفانه به موازات پیشرفت تکنولوژی، مبانی اعتقادی و ارزشی کمرنگ‌تر شده و به همان نسبت مشکلات و گرفتاری‌ها افزایش یافته است. در این حالت مرد یا زن، تا زمانی که منافع و لذت‌جویی‌اش اقتضا کند می‌ماند در غیر این صورت با اندک بهانه‌ای صحنه را ترک می‌کند؛ لذا دین می‌تواند عامل بازدارنده از طلاق باشد. رحیمی (۳۰) برخی مطالعات دیگر به این نتیجه رسیدند که تفاوت در عقاید عاملی مؤثر در طلاق است. تحقیقات نشان می‌دهد که یکی از تغییرات عمیق فرهنگی که امروزه دامنگیر جوامع بشری شده، کم رنگ شدن معنویت و کاهش تمایل به مناسک دینی و مذهبی است (۳۱). محققان معتقدند مذهب به گونه‌ای معنوی، خطوطی کلی برای اداره تعارضات زناشویی را به زوجین پیشنهاد می‌دهد (۳۲). مطالعات، رابطه‌ای مثبت و قوی بین مذهبی بودن و کاهش تعارضات زناشویی نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، افراد مذهبی‌تر، تعارضات زناشویی کمتر و در نتیجه سازگاری و رضایت زناشویی بالاتری دارند (۲۸).

از یافته‌های دیگر این تحقیق که به عنوان عوامل مؤثر در طلاق از آن یاد برده شده است، ناسازگاری یا تعارض بین زوجین بود. یافته‌های این تحقیق نشان داد مهمترین عواملی که منجر به تعارض بین زوجین شده بود عبارتند از: عدم تفاهم اخلاقی، نارضایتی جنسی، خشونت کلامی و غیرکلامی، بی‌علاقگی، عدم تعهد به زندگی زناشویی، برآورده نشده انتظارات یا وجود انتظارات غیرواقع‌بینانه و فساد اخلاقی.

یکی از یافته‌های این تحقیق وجود نارضایتی جنسی بین زوجین بود. نیاز جنسی نیازی غریزی است که بر اساس حکمت الهی در نوع بشر قرار داده شده است تا ضمن بقای نسل، مهر و محبت در بین زن و شوهر ماندگار و بیشتر شود. در نتیجه بی‌توجهی به آن می‌تواند نقش بزرگتری نسبت به سایر عوامل در گسست روابط زن و شوهر داشته باشد. ناتوانی جنسی و انزال زودرس در مردان و بی‌میلی جنسی یا سرد مزاجی در زنان به عنوان شایع‌ترین اختلالات جنسی، می‌تواند منجر به تعارض و اختلافات خانوادگی شود و در زمینه طلاق نقش مهمی ایفا کند. برعکس رابطه جنسی مطلوب آن است که در یک زمان منجر به رضایت کامل و کسب لذت ماکزیمم در هر دو طرف شود. داشتن رابطه جنسی مطلوب، چارچوبی را برای زوجین ایجاد می‌کند که زن و شوهر از طریق آن می‌توانند از عشق و احساسات مثبت طرف مقابل به خود مطمئن شوند (۳۳). چنین رابطه جنسی مطلوبی در زوج‌های متقاضی طلاق دیده نمی‌شود و معمولاً شرایطی که در آن زنان بتوانند ارگاسم را تجربه کنند، وجود ندارد.

براساس نتایج به‌دست آمده از این تحقیق، خشونت یکی از عوامل مهم در اقدام به طلاق ذکر شده است. خشم و پرخاشگری از جمله عواطفی است که به روابط همسران آسیب می‌زند. شواهد متعددی بر نقش خشم در فروپاشی زناشویی وجود دارد. در آمریکا ۵۲ درصد طلاق‌ها به علت آزار و اذیت جسمی یا عاطفی بوده است (۳۴). در ایران، مراجعات حقوقی همسرآزاری در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵، ۵/۰۸ درصد افزایش داشته است که ۹۰ درصد مدعیان همسر آزاری را زنان و ۱۰ درصد باقیمانده را مردان تشکیل می‌دهند. عصبانیت در بلندمدت، همدلی و صمیمیت زوجین را کاهش می‌دهد. هرگاه همسران در حل مسائل و مشکلات خانواده از رفتارهای پرخاشگرانه استفاده کنند، روند حل مسائل دشوارتر می‌گردد و رضایت زناشویی آنان کاهش می‌یابد (۳۵).

خداوند در آیات متعدد (سوره بقره، ۲۳۱؛ نساء، ۳۴؛ طلاق، ۱ و ۶؛ مجادله، ۲)، مردان را خطاب قرار می‌دهد و آنان را از بداخلاقی که ممکن است انجام دهند، برحذر می‌دارد. زیرا بداخلاقی، امنیت و آرامش را نابود

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

می‌کند و این برخلاف هدف از تشکیل خانواده است. خداوند متعال علاوه بر نهی سوء رفتار، پیرامون حسن رفتار و معاشرت، دستوراتی به مردان داده است تا با عمل به آنها، پایه‌های خانواده را بیش از پیش مستحکم کنند. در آیات متعدد (بقره، ۲۲۸؛ ۲۲۹؛ ۲۳۱؛ و نساء ۱۹ و ۱۲۸؛ ۱۲۹؛ طلاق، ۲؛ ۶؛ ۷)، به خوبی به حسن معاشرت و خلق و خوی نیکو به زن اشاره شده است که نشان‌دهنده مراعات کرامت، شخصیت و حفظ حقوق زن است.

در روان‌شناسی نیز ارتباط، مهمترین رکن روابط انسانی و ابزار تعامل میان آنان مطرح شده است. روابط زوجین نیز به عنوان عمیق‌ترین، طولانی‌ترین و بیشترین رابطه انسانی بین دو نفر رکن زندگی زناشویی است. افراد با تبادل احساسات و عقاید، به سازگاری با هم و پیشبرد اهداف زندگی نائل می‌گردند. ارتباط فرآیندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان گذاشته می‌شود (۳۶). بررسی زندگی همسران موفق و ناموفق نشان می‌دهد که چگونگی ارتباط، یکی از وجوه مهم تمایز میان این دو گروه است. زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است زوجین را به اختلاف و درگیری، طلاق عاطفی و حتی طلاق رسمی سوق دهد (۳۷). تحقیقات مختلف نشان داده است که درصد بالایی از زوج ها با مشکلات ارتباطی روبرو هستند (۲۸). برای روابط مؤثر نیازمند چهار مهارت کلیدی هستیم: شنیدن فعال؛ بیان مناسب احساسات و افکار و عقاید؛ استفاده مناسب از شیوه‌های ارتباط غیرکلامی و استفاده از سبک ارتباطی مؤثر.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق که موجب ناسازگاری بین زوجین و در نهایت طلاق شده، انتظارات غیرواقع‌بینانه زوجین از یکدیگر است. به‌طورکلی همه افراد با انتظاراتی وارد زندگی زناشویی می‌شوند. پس از شروع زندگی مشترک، مقدار رسیدن به این انتظارات، میزان رضایت زوجین را تعیین می‌کند. در این فرآیند دو عامل تأثیرگذار است. یکی سطح انتظارات، دیگری زمان قابل پیش‌بینی برای رسیدن به آن انتظارات. از مشکلات زوج‌ها، میزان بالای انتظارات یا انتظارات غیرواقع‌بینانه و عجله در زمان نیل به انتظارات است؛ لذا مشکل وقتی شروع می‌شود که همسران احساس می‌کنند برخی از انتظارات آنان برآورده نمی‌شود و فرد نمی‌تواند با آن کنار بیاید. اگر هر کدام از زوجین به ویژه زن متوجه شأن و موقعیت خود نبوده، به جلوه‌های فریبنده دنیا، دل ببندد و غرق در تجملات آن شود و با زیاده خواهی، دیگری را آزار دهد امکان از دست دادن زندگی خود را دارد. خداوند در سوره احزاب آیه ۲۸ می فرماید: پیامبر به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم (طلاق دهم).

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق، ازدواج‌های اجباری بود. ازدواج اختیاری به عنوان یکی از عوامل بازدارنده طلاق محسوب می‌شود و زوجین به‌خاطر انتخاب خود، صبر و تحمل بیشتری در برابر ناملایمات و سختی‌ها می‌کنند و گرایش به طلاق کاهش می‌یابد. برعکس ازدواج‌هایی که به اصرار والدین و ناشی از تعصب بی‌مورد و بدون در نظر گرفتن علایق و احساسات دختر یا پسر یا برای فرار از خانه پدری یا برای پرکردن خلأهای عاطفی و ... انجام می‌شود، به نوعی پایه‌های اولیه شکست را طرح‌ریزی می‌کنند. اینگونه ازدواج‌ها پایه و اساس محکمی ندارد و شانس طلاق افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش محسن‌زاده، نظری و عارفی (۳۸) نشان داد انگیزه‌های نامناسب (فرار از فشارهای دوران مجردی و فضای ناخوشایند خانه پدری) و ازدواج اجباری، ایجادکننده نارضایتی و زمینه‌ساز طلاق هستند. همچنین فردی که از سر اجبار یا دلسوزی یا تحت تأثیر صحبت‌های اطرافیان و بدون توجه به ملاک‌ها و معیارهای مناسب، ازدواج می‌کند و بدون آگاهی از واقعیت ازدواج وارد این مرحله از زندگی می‌شود، زیربنای محکمی برای شروع زندگی نخواهد داشت.

یکی از یافته‌های این پژوهش که عاملی برای طلاق محسوب می‌شد، دخالت اطرافیان بود. ارتباط مناسب با خانواده اصلی یا مبدأ نقش مثبتی در زندگی زوجین ایفا می‌کند. برعکس دخالت خانواده اصلی یا اطرافیان از همان آغاز به شکل مخالفت و عدم حمایت و همراهی در مواقع مورد نیاز، تعارضات را افزایش می‌دهد. در پژوهش حاضر، دخالت اطرافیان، در زمره پنج عامل اول و مهم تعیین‌کننده طلاق مطرح شده است. به نظر می‌رسد که مسئله مشکل زوجین با خانواده‌های یکدیگر و تأثیر شدید این مسئله بر زندگی زناشویی، یک مسئله متأثر از فرهنگ است. یکی از این الگوهای رفتاری، انتقاد و توهین به خانواده همسر است که شامل ناسزاگویی به خانواده همسر، شکایت از آنها، اختلاف نظر زوجین درباره نحوه برخورد با خانواده‌های یکدیگر، مشاجره زوجین بر سر دخالت خانواده‌ها و متهم کردن خانواده‌های یکدیگر در ایجاد مشاجرات می‌باشد (۳۹).

یکی از عوامل بسیار مهم در پایداری و ناپایداری ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی همسران است. براساس مطالعه بورتین و مورتلمانز (۲۶)، بین ویژگی‌های شخصیتی و طلاق ارتباط معنادار وجود دارد. خادمی (۴۰)، نیز نارضایتی زناشویی را برمبنای ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی کرد. براساس مطالعه او نارضایتی زناشویی با روان‌آزرده‌گرایی رابطه مثبت و با موافق بودن و وظیفه‌شناسی رابطه منفی معناداری دارد. در این تحقیق برخی از ویژگی‌های شخصیتی مثل بددهنی، فحاشی و بداخلاقی، عدم‌مسئولیت‌پذیری، بهانه‌گیری‌های بی‌مورد، بی‌توجهی، پنهان‌کاری، هیجان‌خواهی زیاد، خودخواهی، سخت‌گیری زیاد، دروغگویی، تجمل‌گرایی و ولخرجی به عنوان مهمترین ویژگی‌های شخصیتی زوجین مطرح شده بود. این ویژگی‌ها منجر به احساس نارضایتی در فرد شده و زمینه ساز طلاق می‌شوند.

نتیجه‌گیری

توجه به یافته‌های به دست آمده از مرور سیستماتیک انجام شده، می‌تواند به سیاست‌گذاران سلامت کمک کند تا با توسعه برنامه‌های تفصیلی و همچنین مطالعات دقیق‌تر، طلاق را به عنوان یک آسیب

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

اجتماعی جدی، کاهش دهند؛ زیرا پیامدهای طلاق در سطح فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار گسترده است و لازم است توجه جدی به این موضوع شود. از طرفی به‌رغم نقاط قوت، محدودیت‌هایی در این مطالعه وجود دارد. شرایط قومی و مذهبی می‌تواند یک موضوع مهم مرتبط برای طلاق باشد، اما پرداختن به آن در مطالعه حاضر امکان‌پذیر نبود. افزون بر آن در مطالعات موجود در این مرور سیستماتیک، مطالعه کوهورت آینده‌نگر وجود نداشت و فقط این نوع مطالعات است که قادر به ترسیم رابطه علّی هستند، بنابراین نمی‌توان از نتایج این مطالعه رابطه علت و معلولی را استنباط کرد. پیشگیری از وقوع طلاق با توجه به آثار بسیار مخرب آن بر حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی، از اهمیت خاصی برخوردار است و مستلزم اقدامات متعددی است. بر این اساس به منظور پیشگیری از طلاق، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود.

- حمایت از خانواده و وضع قوانین خاص در مورد ازدواج و طلاق در مجلس شورای اسلامی؛
- آموزش احکام زناشویی و قوانین خانواده به جوانانی که در شرف ازدواج هستند؛
- اصلاح تحریف‌های شناختی و آموزش مهارت‌های زندگی (آموزش مهارت حل مسایل و تعارضات زناشویی، مهارت روابط زناشویی، مهارت ارتباط دوتایی و خانوادگی، مهارت انتقاد پذیری، مهارت روابط جنسی، مهارت مدیریت خشم، مهارت مدیریت استرس، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت خانه داری، مهارت شوهرداری، مهارت فرزندپروری و ...)؛
- آموزش افزایش سرمایه روان‌شناختی (امیدآفرینی، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) به زوجین؛
- آموزش امید و بخشش و گذشت به زوجین؛
- الزامی کردن مراجعه زوجین قبل از اقدام به طلاق به مراکز مشاوره خانواده؛
- آموزش مهارت‌های جنسی و اختلالات جنسی به‌ویژه ناتوانی جنسی و انزال زودرس در مردان و بی‌میلی جنسی یا سردمزاجی در زنان و اصلاح و تغییر دیدگاه زن و شوهر به‌ویژه زنان نسبت به عمل مقاربت از دیدگاه تنها غریزی، به دیدگاهی الهی و عاملی برای استحکام خانواده و ایجاد آرامش؛
- مدیریت رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون که با ارائه برنامه ها، فیلم‌ها و سریال‌ها می‌تواند سطح فکر و فرهنگ عمومی جامعه را اصلاح کند.

منابع

1. Fathi Ashtiani A, Ahmadi Kh. The Study of Successful and Unsuccessful Marriage on University Students. Daneshvar-e-Raftar 2004; 2(2): 9-16.
2. Gellatly C, Störmer C. How does marriage affect length of life? Analysis of a French historical dataset from an evolutionary perspective. Evolution and Human Behavior 2017; 4(38): 536-545.
3. Wai ST, Yip THJ. Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being: Implication for interpersonal theory of depression. Personality and Individual Differences 2009; 46: 365–368.
4. Williamson HC, Nguyen TP, Bradbury TN, Karney BR. Are problems that contribute to divorce present at the start of marriage, or do they emerge over time? J Soc Pers Relat. 2016; 33(8): 1120-1134.
5. Marinescu L. Divorce: What does learning have to do with it?. Labour Economics 2016; 38: 90-105.
6. Anthony CJ, DiPerna JC, Amato PR. Divorce, approaches to learning, and children's academic achievement: A longitudinal analysis of mediated and moderated effects. Journal of School Psychology 2014; 3(52): 249-261.
7. Baucom D H, Hahlweg K, David C. Atkins DC, Engl J, hurmaier F. Long-Term Prediction of Marital Quality Following a Relationship Education Program: Being positive in a constructive way. Journal of Family Psychology 2006; 20: 448-455.
8. Cameron C. Long-term Outcomes of Systems-Based Protective Factors of Divorce for Adult Children in their Relationships; Analyses of the Protective Factors for Participants of the Longitudinal Study of Adolescent Health (ADD Health). A Thesis Submitted to the Faculty of Purdue University; 2013.
9. Collection of reports. Available at: https://www.sabteahval.ir/avej/Page.aspx?mId=50935&ID=3274&Page=Magazines/SquareshowMagazine
10. Tavasoli GA, Ghiasi-Nadoshan. Social factors effective on divorce during the last decade. Iranian Journal of Social Development Studies 2011; 3(4): 35-49.
11. Greenaway ES, Clark S. Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings. SSM-Population Health 2017; 3: 473-48.
12. Armijo-Olivo S, Stiles CR, Hagen NA, Biondo PD, Cummings GG. Assessment of study quality for systematic reviews: a comparison of the Cochrane Collaboration Risk of Bias Tool and the Effective Public Health Practice Project Quality Assessment Tool: methodological research. Journal of evaluation in clinical practice 2012; 18(1): 12-18.
13. Hawkins AJ, Willoughby BJ, Doherty WD. Remarriage. Reasons for divorce and openness to marital reconciliation 2012; 53(6): 453-463.
14. Killewald A. Money, work, and marital stability: Assessing change in the gendered determinants of divorce. American Sociological Review 2016; 81(4): 696-719.
15. González-Val R, Marcén M. Divorce and the business cycle: a cross-country analysis. Review of Economics of the Household 2017; 15(3): 879-904.
16. Leopold T, Kalmijn MJD. Is divorce more painful when couples have children? Evidence from long-term panel data on multiple domains of well-being 2016; 53(6): 1717-1742.
17. Hogendoorn B, Leopold T, Bol T. Divorce and Diverging Poverty Rates: A Risk-and-Vulnerability Approach. Journal of Marriage and Family 2020; 82(3): 1089-1109.
18. Metsä-Simola N, Martikainen P, Monden CW. Psychiatric morbidity and subsequent divorce: a couple-level register-based study in Finland. Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology 2018; 53(8): 823-831.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

19. Salvatore JE, Larsson Lönn S, Sundquist J, Lichtenstein P, Sundquist K, Kendler KS. Alcohol use disorder and divorce: evidence for a genetic correlation in a population-based Swedish sample. Addiction 2017; 112(4): 586-593.
20. Amato Paul R, Stacy JR. A Longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. Journal of marriage and the family 1997; 59: 612-624.
21. Stack S, Bandowski E. Divorce and drinking: an analysis of reussian data. Jorunal of marriage and the family 1994; 56: 805- 812.
22. Rijavec Klobučar N, Simonič B. Risk factors for divorce in Slovenia: a qualitative study of divorced persons' experience. Journal of Family Studies 2016; 24(3): 1-16
23. Lehrer EL, Son Y. Marital Instability in the United States: Trends, Driving Forces, and Implications for Children. Demographic research 2017; 37(9): 228-250.
24. Chari AV, Heath R, Maertens A, Fatima F. The causal effect of maternal age at marriage on child wellbeing: Evidence from India. Journal of Development Economics 2017; 127: 42-55.
25. Kabátek J, Ribar DC. Teenage Daughters as a Cause of Divorce. Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research, The University of Melbourne; ARC Centre of Excellence for Children and Families over the Life -Course; and Institute for the Study of Labor (IZA)CentER, Tilburg University; and Netspar; 2017.
26. Boertien D, Härkönen J. Less Education, More Divorce: Explaining the Inverse Relationship Between Women's Education and Divorce. Stockholm Research Reports in Demography; 2014.
27. Groot W, Van Den Brink HM. Age and Education Differences in Marriages and their Effects on Life Satisfaction. Journal of Happiness Studies 2002; 3(2): 153-165.
28. Ahmadi Kh, Fathi-Ashtiani A, Arabniya Alireza. The relationship between religious observances and marital adjustment. Journal of Family Research 2006: 5 (2): 55-67.
29. Irastorza N. Sustainable marriages? Divorce patterns of binational couples in Europe versus North America. Ethnicities 2016; 16(4): 649-683.
30. Rahimi H. Investigating divorce factors in Khorasan province. Journal of Population 2001; 8(33): 100-112.
31. Khosravi Z, Faizabadi S. Attachment style and perception of God among divorce-seeking and non-divorce-seeking women in Kashan city. Journal of New Educational Ideas 2009; 3(5): 37-54.
32. Lambert NM, Dollahite DC. How religiosity helps couples prevent, resolve & overcome marital conflicts. Family relations 2006; 55: 439-449.
33. Hosseini-Zand M, Shafiabadi Ab, Sudani M. The effectiveness of couple therapy based on Islamic teachings on the sexual intimacy of couples referring to Nikan Clinic in Tehran. Journal of New Discoveries in Psychology 2011; 8 (25): 27-39.
34. McKay M, Fanning P, Palg K. Marital life skills. Translated by Shahram Mohammadkhani, Ghodrat Abedi. Ibn Sina's publication. First Edition; 2016.
35. Khanjani Z, Zafargholizadeh N. The relationship between aggression and marital satisfaction in married employees of state banks in Urmia. Journal of Women and Family Studies 2008; 2(5): 41-65.
36. Saunders Ch, David-Dixon D, Harji h. Social skills in interpersonal communication. Translated by Mehrdad Firozbakht and Khashayar Beigi. Roshd Publication. Eighth edition; 2017.
37. Atef-Vahid, MK, Mohammadpour AR, Lavasani F. Sustainable life. Astan Quds Razavi Publication; 2011.
38. Mohsenzadeh F, Nazari AM, Arefi M. (1390). Qualitative study of the factors of marital dissatisfaction and divorce. Journal of Strategic studies of Women 2011; 14 (53): 7-42.
39. Cheraghi M, Mazaheri MA. Mootabi F. Panaghi L. Sadeghi, M, Salmani, Kh. (2014). Prediction of marital satisfaction based on the quality of relationship of spouses with two main families. Journal of Culture Strategy 2014; 8(31): 99-125.
40. Khademi A. Prediction of Marital Dissatisfaction Based on Personality Characteristics and Social Relations in Couples of Students and Non-Students. International Journal of Medical Research & Health Sciences 2017; 6(1): 107-103.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]

Review

Effective Factors on Divorce in the Past 10 Years in Iran

Ali Fathi Ashtiani[*1], Sohrab Amiri[2], Mina Fathi Ashtiani[3], Azadeh sedghi Jalal[4], Mohammad hosein Nicknam[5], Ahmad Ali noorbala[6], Mohammad Bagher Saberizafarghandi[7], Mohammadali Hemmati[8], Mehdi Tehranidoost[9], Firoozeh Raisi[10], Seyed Hossein Salimi[11], Parviz Azadfallah[12], Siavash Lajevardi[13]

1. ⁎**Corresponding Author:** Behavioral Sciences Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran, afa1337@gmail.com
2. Medicine, Quran and Hadith Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. Departmnt of Educational psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran
4. Behavioural sciences research center, Baqiyatallah University of Medical sciences, Theran, Iran
5. Professor of Immunology, Department of Immunology, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
6. Professor of Psychiatry, Psychosomatic Medicine Research Center, Imam Khomeini Hospital, Tehran University of Medical Sciences, Tehran Iran
7. Department of Addiction, School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
8. Assistant professor, Department of Psychiatry, Faculty of Medicine, Azad University of Medical Sciences, Tehran, Iran
9. Professor of Psychiatry, Department pf Psychiatry, Faculty of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
10. Department of Psychiatry, Roozbeh Hospital, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
11. Exercise Physiology Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
12. Dept. of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
13. Iranian Academy of Medical Scinces, Tehran, Iran

Abstract

Background: The inability of couples to resolve conflicts and deal with them appropriately may lead to divorce. This study was conducted with the aim of determining factors affecting divorce in Iran during the last 10 years.

Method: In this study, a systematic review was performed. All articles in the last decade (2010 to 2020) written on the causes of divorce in Iran in Persian and English, in PubMed, Scopus, Web of Science, Google Scholar and Megiran, ISC, and SID databases were indexed using Persian and English keywords. Following data entry and considering exit criteria, 27 articles were finally extracted from all obtained articles, and analyzed using the PRISMA guidelines.

Results: The obtained results can be classified in several categories. These classes include demographic factors, economic factors, cultural-social factors, personality factors, factors related to incompatibility between couples, family factors, and biological-psychological factors. In addition, twenty of the most important causes of divorce in the last ten years include: male unemployment, lack of moral understanding, infertility, cultural and religious differences, involvement of family members, mental illnesses, drug and alcohol addiction, financial problems and insufficient income, forced marriage, sexual dissatisfaction, domestic violence, indifference to spouse, infidelity, remarriage, physical diseases, unrealistic expectations, immorality, foul language and obscenity, legal and judicial problems, lack of trust in each other, and moral corruption and illicit pleasures.

Conclusion: The findings of this research can help health policymakers to reduce divorce as a serious social harm by developing detailed programs.

Keywords: Divorce, Divorce-Prevention and Control, Iran, Systematic Reviews as Topic

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.22034/7.2.18]